

تیمور لنگ

هارولد لمب

ترجمہ علی جواہر کلام

سرشناسه : لمب، هارولد، ۱۸۹۲-۱۹۶۲م.
عنوان و نام پدیدآور : تیمور لنگ/ هارولد لمب؛ ترجمه علی جواهرکلام.
مشخصات نشر : ساری، نسیم قلم ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری : ۲۶۴ ص.
شابک : 978-600-8241-84-3

وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: عنوان اصلی : Tamerland, the earth :
یادداشت: کتابنامه.
موضوع : تیمور گورکانی، ۷۰۸-۷۳۶ ق
موضوع : مغولان-- تاریخ
موضوع : ایران - تاریخ -- تیموریان، ۹۱۱-۷۷۱ ق.
شناسه افزوده : جواهرکلام، علی، ۱۳۵۵-۱۲۷۵، مترجم.
رده بندی کنگره : ۱۳۹۸، ۹ ت ۸ / J۸ DSR۱۰۹۷
رده بندی دیویی : ۹۵۵/۰۶۶۱
شماره کتابشناسی ملی: ۵۱۰۷۵۹۲

شناسنامه کتاب

نام کتاب	تیمور لنگ
مؤلف	هارولد لمب
مترجم	علی جواهرکلام
ناشر	نسیم قلم
چاپخانه / نوبت چاپ / تیراژ	۱۰۰۰ / ۱۳۹۸ / اول
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۸۲۴۱-۸۴-۳

قیمت: ۴۲۰۰۰ تومان

مراکز پخش

قم - مرکز پخش کتاب کوثر ۰۹۱۲۲۵۳۹۷۹۴

ساری - انتشارات نسیم قلم - همراه ۰۹۱۱۱۵۴۱۲۷۱

«کلیه حقوق برای پخش کتاب کوثر (بابکی) محفوظ می باشد»

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۹	مقدمه مؤلف
۹	سعی و کوشش

بخش ۱

۱۴	فصل اول: مار و انهر - آن طرف رود جیحون
۱۸	فصل دوم: مردان با تلام خود
۲۴	فصل سوم: شاه آفرین (تاج بخش) سالی ساری
۳۰	فصل چهارم: بانوی خدای دگار
۳۶	فصل پنجم: تیمور دیپلمات
۴۳	فصل ششم: سرگردان
۵۰	فصل هفتم: یک شتر و یک اسب
۵۵	فصل هشتم: کنار پل سنگی
۵۹	فصل نهم: جنگ باران
۶۴	فصل دهم: دو امیر
۷۳	فصل یازدهم: روی پشت بام دنیا
۷۹	فصل دوازدهم: زین الدین سخن می گوید
۸۶	فصل سیزدهم: کار صوفیان

بخش ۲

۹۲	فصل چهاردهم: سمرقند
۹۹	فصل پانزدهم: قزل اردو

۱۰۷	فصل شانزدهم: در جاده‌های استپ
۱۱۶	فصل هفدهم: در سرزمین سایه‌ها
۱۲۳	فصل هیجدهم: مسکو
۱۳۱	فصل نوزدهم: ساقیان - هم پیاله‌ها
۱۴۱	فصل بیستم: قلمرو وسیع
۱۴۹	فصل بیست و یکم: برپشت زین
۱۵۶	فصل بیست و دوم: سلطان احمد بغدادی

بخش ۳

۱۶۲	فصل بیست و سوم: محروسه‌ی سمرقند
۱۷۲	فصل بیست و چهارم: خانم برگ و خانم کوچک
۱۷۸	فصل بیست و پنجم: مسجد جامع تیمور
۱۸۲	فصل بیست و ششم: جنگ سه ساله
۱۸۸	فصل بیست و هفتم: یوحنا‌ی اسقف به اروپا می‌رود
۱۹۳	فصل بیست و هشتم: آخرین جنگ صلیبی
۲۰۰	فصل بیست و نهم: تیمور و ایلدرم به هم می‌رسند
۲۰۹	فصل سی ام: پشت دروازه‌های اروپا
۲۱۷	فصل سی و یکم: دنیای سفید
۲۲۱	سرانجام
۲۲۱	نتیجه کوشش چه بود؟

بخش ۴

۲۲۸	یادداشت‌ها
۲۲۸	۱- خردمندان در میدان جنگ
۲۲۹	۲- کمان در مشرق و مغرب

۲۳۱	۳- آتش اندازان
۲۳۲	۴- آنقره
۲۳۶	۵- دوک ویتولدو تاتار
۲۳۸	۶- دو خداوند جنگ
۲۴۰	۷- شاعران
۲۴۲	۸- مغول
۲۴۴	۹- تاتار
۲۴۵	۱۰- ترک
۲۴۸	۱۱- شیخ الجبل
۲۵۰	۱۲- شهر قشنگ و زیبای تبریز
۲۵۲	۱۳- کلاویچ در تبریز
۲۵۴	۱۴- سراپرده امیر
۲۵۵	۱۵- گنبد بزرگ
۲۵۶	۱۶- از کله آدم منار می ساختند
۲۵۷	۱۷- اخلاق و صفات تیمور
۲۵۸	۱۸- تیمور و مذهب

منابع

۲۶۱	منابع
-----	-------

مقدمه مؤلف

□ سعی و کوشش

پانصد و پنجاه^۱ سال پیش مردی کوشید که خود را فرمانروای جهان بسازد. هر اقدامی که کرد موفق شد، ما او را تیمور لنگ می‌خوانیم.

در آغاز وی چندان مهم نبود - فقط بر قطعه‌ای از اراضی و عده‌ای گله دار آن سرزمین مرد پرور پهلوان خیر یعنی آسیای مرکزی فرمانروایی داشت. تیمور مثل اسکندر مقدونی پسر پادشاه نبود و مانند چنگیز ریاست قبیله را از پدر ارث نمی‌برد. اسکندر و چنگیز هر دو هنگامی که به جهانگیری برخاستند با خود همراهانی داشتند مردم مقدونیه با اسکندر و مغول‌ها با چنگیز همراه بودند. ولی تیمور لنگ عده‌ای را دور خود جمع کرد.

تیمور سپاهیان نیمی از جهان آن روز را یکی پس از دیگری شکست داد. او شهرها را در هم کوبید و مطابق میل خود از سر و آباد ساخت کاروان‌های بازرگانی دو قاره از وسط راه‌های او می‌گذشتند، تیمور ثروت چندین امپراتوری را گرد آورد و به میل خویش مصرف کرد. بر قله‌ی کوه‌های بلند در طرف یک ماه کاخ‌ها و عشرت گاه‌ها بنا کرد. شاید بیش از هر بشر دیگری این مرد عجیب در مدت حیات خویش کوشید تا مجموعه و طرح‌های غم‌انگیز را به چنگ خود درآورد و آن را به شکل نیکوتر و دل چسب‌تر از سر نو قالب بریزد.

او آن روز و امروز به نام تیمور لنگ مشهور بوده و هست. در تواریخ عمومی ما نام وی تیمور لنگ است. گرچه اروپایی‌های پانصد سال پیش او را تاتاری می‌خواندند. آن‌ها به طور مبهم تیمور را فرمانروا و جهانگیر بی‌رحمی می‌شناختند که تا پشت

۱- این تاریخ مطابق با تألیف کتاب است ولی اکنون قریب پانصد و هفتاد سال می‌شود. مترجم

دروازه‌های اروپا رسیده بود و با چادرهای زربافت حرکت می‌کرد. از کله‌ی کشته‌ها منار می‌ساخت و شب‌ها در موقع حرکت روی تپه‌ها آتش افروزی می‌نمود تا راهنمای سپاهیان وی باشد.

اما آسیا این مرد را بهتر می‌شناخت خوشبختی‌ها و بدبختی‌های وی را یکایک می‌دانست. دشمنان آسیایی وی شهرت داده بودند که او یک گرگ خاکستری رنگ بزرگ زمین‌خواری می‌باشد. اما دوستان و پیروانش می‌گفتند تیمور شیر ژیان و جهانگشای عالی مقام است.

میلتون شاعر کور انگلیسی پس از شنیدن و مطالعه کردن افسانه‌های مربوط به تیمور ظاهراً رنگ‌های زننده درهم آمیخته‌ای به دست آورده که با آن رنگ‌ها شیطان بزرگ خویش را نقاشی و رنگین ساخته است.

تاریخ نویسان درباره‌ی وی سکوت کردند، اما شاعران از آن داستان‌ها ساختند. و در هر حال طبقه بندی شرح حال تیمور لنگ کار آسانی به نظر نمی‌رسد. تیمور عضو یک سلسله و خاندانی نبوده، اما خودش سلسله‌ای تأسیس کرده است، او مثل آتیلای یکی از وحشیان بود شهر رم را به باد یغما داد، ولی خودش در صحراهای بی آب و علف شهر رم تازه‌ای بنا نمود. گرچه برای خود تاج و تختی فراهم آورد اما قسمت عمده‌ی عمر را پشت زین اسب گذرانید. وقتی که او دست به کار ساختمان شد از نمونه‌ی معماری گذشتگان تقلید نکرد او طرح تازه‌ای مطابق نظر خویش ریخت یعنی از مشاهده‌ی صخره‌ها و قله‌ی کوه‌ها و گنبدهای دمشق (پیش از آن که آن شهر را آتش بزند) کلیاتی در نظر گرفته و از روی آن نمونه‌ها بناهایی احداث کرد. همان طرح‌های عالی تیمور نقشه‌ای برای معماری روس‌ها و طراحی جهت ساختمان تاج محل گشت. اتفاقاً عمارت تاج محل هم به دست یکی از نوادگان وی برپا شد.

تاریخ اروپا در ایام تیمور به خوبی معین است. ما می‌دانیم که در آن ایام شهر روم

۱- جان میلتون J Milton از شعرای انقلابی قرن هفدهم انگلستان مهمترین اثر او «جنات مفقوده است». مترجم.

۲- ونیس در قرن چهارده میلادی مهمترین جمهوری اروپا بوده و تا سال ۱۸۱۴ مستقل بود و آن موقع ضمیمه‌ی اتریش شد و اکنون جزء ایتالیا می‌باشد. مترجم.

توسط شورای ده نفری اداره می‌شد، و رینزی، موسولینی آن ایام گشت و آن جریان یک نسل پس از مرگ دانه واقع گشت. پتراک در آن اوقات به تحریر اشتغال داشت و فرانسه جنگ‌های صد سال دوره بحرانی خود را طی می‌کرد و در عین حال بورگوندی‌ها و اورلئانیست‌ها با جلادان پاریس زد و خورد داشتند و شارل ششم با حال نیمه‌دیوانه به طور بی‌طرفی این منظره‌ها را تماشا می‌کرد.

تاریخ آن روز اروپا چگونگی وقوع این حوادث را ذکر نموده است. اروپای آن روز جوان نورسیده‌ای بود که آهسته آهسته از میان تاریکی‌های قرون وسطی در حال برخاستن بود. هنوز آتش رستاخیز (رنسانس) برافروخته و درخشنده نگشته بود.

اروپا شیفته‌ی تجمعات تمدن شرق بود و از آن نظر به شرق می‌نگریست. کتان و ادویه و ابریشم و ظروف چینی و فولاد شرق را می‌خواست، آن روزها نقره و طلا و جواهرات از مشرق به اروپا می‌آمد و به واسطه‌ی همین کالاها شهر ونیس و جنوا، ثروتمند و مهم گشته بودند. و قوطیه و اشبیلیه اسپانی به دست اعراب آباد گشته بود و کاخ‌های غرناطه را آن‌ها برپا کرده بودند، قسطنطنیه هم وضعی نیمه شرقی داشت.

امروز در محلی که راه آهن ماوراء سبیه اتصال می‌یابد. تخته‌سنگی برپا داشته‌اند که بر یک طرف آن کلمه آسیا و بر طرف دیگر آن اروپا دیده می‌شود. در زمان تیمور این علامت می‌بایستی پنجاه درجه به طول غربی دورتر از محل فعلی قرار گیرد، به عبارت دیگر بایستی در اطراف ونیس باشد. اروپای مرکزی (خاص) باید قسمتی از استان‌های آن به شمار بیاید. استان‌هایی که بارون‌ها و سرف‌ها (بندگان) در آن زیست می‌کردند و شهرها از کلبه‌ها و دهات کوچک تشکیل یافته بودند و چنان که مورخ می‌نویسد زندگانی عبارت از آه و ناله و شکوه و زاری بود.

ما نمایشگاه اجتماعی آن روز اروپا را به خوبی می‌دانیم اما مردی را که برای فرمانروایی بر جهان، در آن موقع قیام کرد، به خوبی نمی‌شناسیم. اروپاییان آن روز جلال و عظمت تیمور را ماورای قوای زمینی و نیروی وی را شیطانی می‌دانستند. همین که تیمور به آستانه‌ی ممالک آنان رسید پادشاهان اروپا نامه‌ها و سفراء نزد وی فرستاده او را تیمورلان بزرگ، خداوند تاتاری خواندند.

هنری چهارم انگلیس که در ماورای مرز خود با سرداران پروس می‌جنگید، فاتح ناشناس را برای فتوحاتش تبریک گفت، شارل ششم پادشاه فرانسه او را چنین مدح کرد:

«فاتح بزرگ و شاهزاده‌ی معظم تیمور» و مردم هوشیار جنوا پرچم وی را بیرون قسطنطنیه برافراشتند و مانوئل امپراتور یونان از وی درخواست کمک کرد. لرددون هنری که با لطاف خداوند پادشاه قسطنطیه بود یکی از سرداران نامی خود» روی دو گرنزالیس کلاویجو» را به نام سفیر خدمت تیمور روانه کرد. و کلاویجو، تا سمرقند دنبال فاتح بزرگ رفته و پس از بازگشت راجع به شخصیت تیمور چنین گزارش داد.

«تیمور لنگ خدایناگار سمرقند پس از تسخیر تمام ممالک مغول و هند سرزمین آفتاب را نیز تسخیر ساخت. سرزمین آفتاب مملکت عظیم و مهمی می‌باشد. تیمور سرزمین خوارزم را نیز مطیع و تسخیر کرده است و ایران و مد^۱ را هم گشوده است؛ امپراتور تبریز و شهر سلطان را تصرف نموده است؛ اراضی ابریشم و زمین‌های دروازه را فتح کرده است؛ ارمنستان صغیر و ارمنستان بزرگ را تحت تصرف درآورده است؛ فرمانروای هند را در جنگ مغلوب ساخته و قسمتی از ممالک وی را فتح کرده است شهر دمشق را ویران نموده و شهرهای حلب و بابل و بغداد را زیر پا گذارده است. و پس از گشودن ممالک بسیار و مغلوب ساختن فرمانروایان بی‌شمار و احراز پیروزی‌های فراوان سر وقت با یزید ترک رفته است (وی یکی از فرمانروایان نامی جهان می‌باشد) و او را در جنگ شکست داده به اسیری گرفته است.

کلاویجو که در دربار سمرقند حضور داشته و بسیاری از فرمانروایان جهان و سفرای مصر و چین را در خدمت تیمور دیده، از شخصیت تیمور آن طور گزارش داده است. او نیز که عنوان سفارت فرنگیان را داشته با گرمی و احترام پذیرفته شده زیرا به قول مشهور «کوچکترین ماهی هم در دریا محل و مقامی دارد».

تیمور در نمایشگاه سلاطین با عظمت اروپا مقامی نداشته فقط در صفحات تاریخ اروپا به طور اختصار آثاری از هول و هراس ایام سلطنت وی دیده می‌شود. اما برای

۱- مدیا قسمتی از عراق عجم و همدان است. مترجم.

مردم آسیا هنوز هم تیمور مرد بزرگی است.

اکنون پس از پنج قرن بر ما مسلم گشته که تیمور آخرین فاتح بزرگ جهان به شمار می‌آید. ناپلئون و بیسمارک نسبت به تیمور در گوشه‌ای از زوایای تاریخ خزیده‌اند. که اولی با ناکامی درگذشت و دومی فقط در یک کشور به فتوحات سیاسی نایل آمد. در صورتی که تیمورلنگ امپراتوری بزرگی ایجاد نمود و در هر لشکرکشی موفق بود. او برای مغلوب ساختن آخرین فرمانروای مخالف خویش حرکت کرد و در بین راه مرد و اگر نمی‌مرد به قدر کافی نیرو داشت که او را از پا درآورد.

برای این که بدانیم آن مرد چه در سرداشت باید شرح زندگی او را بخوانیم. برای درک آن موضوع باید تواریخ اروپا را کنار بگذاریم و تمدن جدید را با اختلافات و نظریات ناشی از آن نادیده انگاریم و باید تیمورلنگ را از نظر اشخاصی مطالعه کنیم که دوش به دوش می‌سوار و پیاده می‌شدند. ما نیز مانند کلاویجو باید پرده‌ی هول و هراس تیمور را بدریم و از میان سرب‌ها و مناره‌های جمجمه بگذریم و از قسطنطنیه و دریا عبور نماییم و به آسیا وارد شویم. باید از شاهراه سرزمین آفتاب گذشته به جاده‌ی سمرقند رو آوریم. در این موقع که ما عازم آن سفر شده‌ایم سال ۱۳۳۵ میلادی است. محل ما رودخانه‌ای می‌باشد.

